

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

منطقه آسیای مرکزی از منظر استراتژی‌های ژئوپولیتیکی مبارزه علیه تروریسم در حرف، حمایت از تروریسم در عمل عملکردهای قبلی استخباراتی و بازی‌های جدید اطلاعاتی

آیا جنگ و درگیری‌های جگزين در راه می باشد؟
تهدیدهای ناشی از سیاست مرزهای باز داخلی
عقبه‌های قومی منطقوی و بین المللی
اقدام راهبردی یا ترفند مصلحتی

بافروپاشی نظام دوقطبی، آسیای مرکزی بمثابة بخش جنوبی از قلمرو هارتلند نظریه مکیندر، هویت جغرافیایی - سیاسی مستقلی پیدا کرده و بعنوان فضای فاقد قدرت اثرگذار، بعرضه رقابت قدرت‌های منطقه ایی و فرامنطقه ایی مبدل گردید، فقدان قدرت مؤثر ونوپایی جمهوری‌های آن، زمینه دخالت قدرت‌های منطقه ایی و فرامنطقه ایی را در این حوزه استراتژیک فراهم کرده است. قدرت‌های یادشده هر کدام دارای اهداف، منافع و دیدگاه‌های خاص خود میباشند که شناخت صحیح دیدگاه‌های آنها، زمینه ساز اتخاذ سیاستهای مناسبتری از جانب دستگاه سیاست خارجی خواهد بود. نتایج حاصله بیانگر این مطلب میباشد که قدرت‌های منطقه ایی و فرامنطقه ایی علاوه بر هدف توسعه نفوذ خود در منطقه، دارای نگرانیهای امنیتی نیز میباشند و بخشی از نقش آفرینی این کشورها متوجه کسب توانایی بازدارندگی در قبال تهدیدها در آسیای مرکزی می باشد. ایالات متحده بازیگر اصلی فرا منطقه ایی در آسیای مرکزی بوده که در جستجوی اهداف اقتصادی و ژئواستراتژیک خاص خود بوده و همچنان قصد دارد فرآیندهای منطقه ایی را با اجرای استراتژی ترکیبی تحت نظارت خویش قرار دهد. اتحادیه اروپا نیز با توجه به بنیان‌های اقتصادی خود، حضور مؤفقی در منطقه دارد. اروپا عمدتاً دارای دیدگاه تجاری بوده، چندان تمایلی بمنظور دستیابی جایگاه ژئوپولیتیکی در منطقه نداشته و در این مسیر اصلن تلاشی بخرج نمیدهد.

بافهم دقیق و همه جانبه مسایل مورد نظر و بررسی‌های موشگافانه قضایای موجود میهن عزیزما، می توان باین نتیجه گیری نایل گردید که کشورهای غربی در مجموع، بمنظور ایجاد شرایط بههدف تقویت موضع و نفوذ بیش از پیش بخش تندرو "طالب"ها در افغانستان تلاش میورزند. اما پرسشی باین شرح مطرح میگردد کآیا با بقدرت رسیدن "طالب"ها، دور جدید درگیریهای مسلحانه و تلاش بمنظور تصرف و اشغال سرزمین و اراضی کشورهای همجوار افغانستان محتمل بنظر می رسد؟ قیل ازارانه پاسخ به پرسش مطرح شده در اینمورد، قابل یاددهانی پنداشته می شود که بر بنیاد اظهارنظرهای کارشناسان، کشورهای غربی با بکارگیری از اهرم فشارهای سیاسی و اقتصادی، شرایط و وضعیت را بیش از پیش بمنظور تقویه "شبكة حقانی" مساعد و مهیا می نمایند. همین اکنون وزارت امور داخله، استخبارات و دادگاه عالی که توسط جناح تندرو و بنیادگرایی "طالب"ها اداره و رهبری می گردد، بمثابة موانع عمده در مسیر اجرای عملی تعهدات بین المللی "طالب"ها در امر مبارزه علیه سازمان‌ها و دسته بندیهای تروریستی بین المللی بشمار می روند. ناظران امور پیشبینی می نمایند که با موجودیت شگاف میان بخش میانه رو و تندرو رهبری

"طالب"ها، بمشکل بتوان در مورد نظارت کامل آنها بروضعیت کشور امیدوار بود. بگفته آنها، دربخش های شمال کشور، موجودیت عناصر و عوامل گروه "دولت اسلامی" و همزمان با آن ایجاد و برقراری تماس ها وتأمین ارتباط های "طالب"های تندروبا "القاعده"، وضعیت درکشوررا بیش ازپیش مغلّق، غامض وپیچیده می نماید.

همه باین امرمعترفند که با وخیم شدن وضعیت درافغانستان،ممکن مهاجران بیشتری همراه با عده ای ازتروریست ها بکشورهای آسیای مرکزی سرازیر گردند. همچنان بیشترین توجه به شکل گیری بحران اقتصادی در کشور نیز معطوف گردیده که بربنیادآن امکان وخیم گردیدن وضعیت مهاجران نیز عملن متصور می باشد. برخی ها هم چنین می پندارند کاداره واشنگتن بمنظور ظرفیت سازی گروههای تروریستی در افغانستان، عمدتن بههدف دامن زدن بعدم ثبات سیاسی در کشورهای آسیای مرکزی تلاش می ورزند. همچنان ادعا می گردد که استخبارات ایالات متحده و انگلیس، بگونه های جداگانه ای ازگروههای مختلف "طالب"ها حمایه وپشتیبانی بعمل می آورند.

اما بخاطر باید داشت که واشنگتن باشتباهاتش در امر خروج و فراخواندن نظامیان امریکایی از کشورما، عملن اعتراف نمود. بانشرگزارشی توسط اداره واشنگتن، از این واقعیت پرده برداشته شد که عین شرایط و وضعیت تعیین شده دراداره قبلی واشنگتن تکوین پذیرفته وامرفراخواندن نظامیان امریکایی درامتداد زمانی ریاست جمهور ی باین تحقق پذیرفت. اما آیا آنها با مطالعه وبررسی اشتباهات اداره واشنگتن درمورد تدوین ستراتیژی های شان در قبال درگیری های دیگر، تجدید نظر خواهند نمود؟ قابل یاددهانی پنداشته می شود که پس از اتخاذ تصمیم در مورد فراخواندن نظامیان امریکایی از کشورما در امتداد سال ۱۴۰۰، کاخ سپید در باره تغییر و تحول ستراتیژی آن کشور دردرگیری های دیگر نیز اطلاعاتی را بنشر سپرد. همچنان چنین اقامه دعوا گردید کایالات متحده بایست بگونه فعال وهمه جانبه ای برای سناریوهای کم احتمال واما پرخطر برنامه ریزی نماید. دولت ایالات متحده بنشر گزارش های وزارت دفاع ووزارت امورخارجه آنکشورنیزمبادرت ورزید. دراسناد یادشده تذکرععمل آمده که جریان فراخواندن نظامیان امریکایی از افغانستان که با کمبودی ها و کمی و کاستی هایی در چگونگی عملکردهای اداره ترامپ همراه بود، درامتداد زمانی ریاست جمهوری جوبایدن تحقق پذیرفت.

بارتباط چگونگی انجام فراخواندن نظامیان امریکایی ازسرزمین وارضی کشورما، قابل یاددهانی پنداشته می شود که فراخواندن اینچنینی نظامیان آنکشور، بگونه کلی با شرایط تعیین شده توسط دونالد ترامپ، گزینه های باین را در مورد یادشده نهایت محدود نموده بود. درگزارش اداره امورخارجه ایالات متحده همچنان تذکر بعمل آمده که ترامپ درمورد فراخواندن کامل نظامیان کشورش ویا تخلیه امریکایی ها ومتحدین افغان شان، اصلن برنامه عملی در اختیار نداشت. همچنان کارشناسان، اقدام دونالد ترامپ درمورد کاهش نظامیان کشورش در افغانستان، رهایی زندانیان "طالب"ها وکاهش کارمندان وزارت امورخارجه وهمچنان متوقف نمودن صدورویزه برای آنعده ازشهر وندان افغانی که برای دولت ایالات متحده مصروف اجرای خدمات بودند را ازعوامل دیگر درزمینه یادشده محسوب می نمایند.

بربنیاد یافته های موجود، اداره واشنگتن درنظر داشت تا درصورت مواجه گردیدن برنامه های امنیتی با مشکلی، با تکیه بر امکانات رزمی و بکارگیری نیروهای محلی و قوت های مسلح افغان اقدام نماید، چه اصل تخلیه را در مجموع، مدت ها قبل باید آغاز می نمود. اما باین درمورد برنامه فراخواندن نظامیان کشورش از افغانستان اطلاع داد. نظامیان یادشده که ازسال ۱۳۸۰ درکشورما حضور بهم رسانیده بودند، پس از مدت زمان ۲۰ سال بلاخره در ماه حمل سال ۱۴۰۰ بموجودیت شان در کشورما که در تاریخ ایالات متحده بمثابه طولانی ترین درگیری مسلحانه نظامیان درخارج ازمرزهای آن کشوربشمار می آمد، نقطه پایان گذاشتند.

بمجرد آغازفراخواندن نظامیان امریکایی ازارضی کشورما، "طالب"ها نیزبه تحرکاتی متوسل گردیدند. آنها درامتداد ماه اسد سال ۱۴۰۰ بر سراسر ارضی کشور مسلط گردیدند. بتاریخ ۴ ماه سنبله سال یادشده درنتیجه انجام اقدام انتحاری وانفجار بمب، بتعداد ۱۳ تن از نظامیان امریکای کشته شده وبتعداد ۱۸ تن هم زخم برداشتند که در نوع خود از جمله درشت ترین ضررهای رسیده به نظامیان ایالات متحده بویژه ازسال ۱۳۹۰ بدینسو بشمار می رفت. درجمع قربانیان یادشده، بیشتر از ۷۰ تن از شهروندان ملکی کشورما نیز بهلاکت رسیده وبتعداد ۱۵۰ تن هم زخم برداشتند. عده ای از "طالب"ها نیزشامل قربانیان ومجروح شده های حادثه یادشده بودند.

بربنیاد گزارش های بنشر رسیده درنشریه ایندیندت، دولت بریتانیا ازاینکه ازآنعده شهروندان افغان که با نظامیان آنکشور در افغانستان همکاری نموده بودند و اکنون متقاضی دریافت پناهندگی درآن کشور می باشند، ارائه اسناد مهرشده توسط مقامات حاکم در افغانستان را مطالبه نموده بود، عنرخواهی نمود که این خود، بمثابه دورویی و

پشت کردن بآنچه از شهروندان کشور ما می باشد که در ناگوار ترین وضعیت و شرایط دشوار میهن ما، نظامیان بریتانوی را همراهی نموده بودند.

بربنیاد برنامه جابجایی و ارائه کمک بافغان ها، آلهایی که خواهان ترک کشور می باشند، باید کاپی اسناد تولدی فرزندان شان و همچنان نکاح نامه ازدواج شان را بزبان انگلیسی و تأیید مقامات مسؤل "طالب" ها، باید بارگان های امنیتی کشورهای میزبان ارائه نمایند.

همچنان دونالد ترامپ از فروش چرخبال های بجامانده امریکایی درکشورتوسط "طالب" ها به روسیه و چین خبرداد. نامبرده اظهار نمود که نظامیان خارجی هنگام ترک افغانستان، بخش های قابل توجهی از سلاح های مختلف النوع و مهمات جنگی و محاربوی را در آنکشور رها نموده و بجا گذاشتند تا دراختیار "طالب" ها قرار گرفته و بتوانند با استفاده از آنها، دشمنان و رقیبان شان را سر جای شان بنشانند. اما بگفته مقامات امریکایی، درکنار آنهمه موارد گفته آمده، چندین چرخبال از جمله دو چرخبال "اپاچی"، دراختیار روسیه و چین قرار گرفته است که کشورهای اخیرالذکر می توانند پس از مطالعه، از چگونگی تحنیک آن کاپی ونمونه برداری نمایند.

همچنان کاخ سپید اعلام نمود که ایالات متحده در نتیجه فراخواندن نظامیان از افغانستان، مقادیر هنگفت سلاح و مهمات حربی بارزش ۷,۲ میلیارد دالر برای "طالب" ها بجا گذاشت. اما نباید فراموش نمود که خروج توأم با عجله و فراخواندن پرشتاب نظامیان ناتو از اراضی متعلق بکشور عزیز ما افغانستان، این ایالات متحده بود که میهن ما را دودسته به "طالب" ها واگذار نمود.

ایالات متحده در امتداد سال ۱۴۰۰ با عجله و شتابزدگی و بدون برنامه ریزی قبلی، به فراخواندن نظامیان آن کشور از افغانستان مبادرت ورزید. گزارش جان سپکوسریازرس ایالات متحده در امور بازسازی افغانستان نیز در برگیرنده موارد یادشده می باشد.

تاکنون، تلاش های فراوانی بمنظور بررسی و مطالعه علل و عوامل شکست اردوی کشور و چگونگی بقدرت رسیدن "طالب" ها صورت گرفته است.

اکنون کاندی بیشتر از یکسال ونیم از حاکمیت مجدد "طالب" ها درکشور سپری می گردد، در امتداد زمانی یادشده، قوا نین ونظم اجتماعی رنگ دیگری بخود گرفته، اینکه شهروندان کشور بچه نحوه و بکدام طریقه ایی بحیات و زندگی شان تداوم خواهند بخشید و آیا اینکه "طالب" ها نحوه حکومتداری شان را با در نظر داشت چگونگی انکشاف قضایای کشور، با واقعیت های عینی وغیر قابل انکار موجود عیاری می نمایند تا در گردباد حوادث ناخواسته وغیر منتظره دست و پای شان را نشکنند ویا در تضاد با نحوه سیر حوادث در منطقه و جهان بوده وبه شنا کردن در جهت مخالف جریان آب مبادرت خواهند ورزید، چگونگی سیر حوادث بعدی به پرسش های موجود درکشور پاسخ خواهد گفت. اما قابل تذکر پنداشته می شود که "طالب" ها همچنان در امتداد سال های ۱۳۷۵ - ۱۳۸۰ که سکان قدرت را در اختیار داشتند، اصول و اساسات دست و پاگیر "شریعت" را در کلیه موارد حیات شهروندان کشور مرعی الاجراً قرار داده، بانوان کشور از ادامه تحصیلات محروم شده و از مراجعه به داکتران معالج مرد نیز منع گردیده، شنیدن موسیقی حرام پنداشته شده، حیات فرهنگی کشور در وضعیت خفقان آوری قرار گرفته و تصویب و تطبیق برخی از اصول ومقررات دیگر که گلوئ شهروندان کشور ما را به سختی می فشرد.

پس از بقدرت رسیدن مجدد "طالب" ها در سال ۱۴۰۰ نماینده "طالب" ها اعلام نمود که آماده تقسیم و توزیع قدرت با سایر گروه های ملی - نژادی ونیروهای سیاسی کشور بوده، بانحصار قدرت خاتمه بخشیده وخود را مکلف بر رعایت واحترام بحقوق وآزادی های بانوان کشور پنداشته و حقوق کار و فعالیت های اجتماعی آنان را در چهارچوکات "شریعت" تضمین می نمایند.

اما بایست یاددهانی این واقعیت را هیچگاهی نباید فراموش نمود که دست روی دست گذاشتن و منتظر پاسیف و منفعل جریان حوادث واتفاقات بودن، شایسته و بایسته نبوده و دردی را هرگز دوا نمی نماید. باید پذیرفت که سیر بعدی زندگی و چگونگی ونحوه حکومتداری حاکمان موجود در میهن عزیز ما افغانستان، مسایل و موضوعات پیشماری را واضح ومبرهن خواهد نمود که در نتیجه آن "رسوا گردد هرکه دراوغش باشد."

شنبه دوم ماه ثور سال ۱۴۰۲ خورشیدی برابر با ۲۲ ماه اپریل سال ۲۰۲۳ ترسایی